

گفت و گوی
صبا با
مصطفی رستم پور،
کارگردان فیلم کوتاه
«گالیا»

می جنگم حتی اگر آخر این تلاش نرسیدن باشد

اساس فعالیت شما در خود شیراز است؟
بله، من شیرازی هستم و فعلاً به خاطر شرایط کاری، فعالیت فیلمسازی ام را نیز در شیراز دنبال می‌کنم.

در شیراز با چه مسائلی در زمینه فیلم‌سازی روبه‌رو هستید؟ مثلاً برخی از دوستان شهرستانی می‌گویند هزینه‌های کرایه و تجهیزات بالا است و برخی امکانات اصلاً در دسترس نیست. آیا در شیراز هم این مشکلات وجود دارد؟

بله، حتی می‌توانم بگویم که در شیراز وضعیت بدتر است. مثلاً در تهران به بازیگران حرفه‌ای عرصه فیلم کوتاه به راحتی دسترسی دارید، اما در شیراز چنین شرایطی نیست. شاید برخی هزینه‌ها در شهرستان کمتر باشد، اما امکانات سینمایی به هیچ وجه کافی نیست. من نیز با نبود عوامل، بازیگران خوب و تجهیزات در شیراز روبرو هستم. متأسفانه اغلب بازیگران خوب نیز به تهران کوچ می‌کنند و همین مسئله شرایط را پیچیده‌تر می‌کند.

فکر می‌کنید حضور در جشنواره فیلم کوتاه تهران چه فرصتهایی را در آینده برای شما ایجاد خواهد کرد؟

من دو فیلم قبلی ام یعنی «گوسفندان ما را خواهد بلعید» و «مارپله» را هم به این جشنواره فرستاده بودم، اما به دلیل حساسیت موضوع، ممیزی خوردند و اجازه نمایش پیدا نکردند. با این حال، همیشه اعتقاد داشته‌ام که جشنواره فیلم کوتاه تهران یکی از جشنواره‌هایی است که هر فیلم‌ساز دوست دارد در آن حضور داشته باشد. چرا که این جشنواره یکی از جشنواره‌های بسیار خوب است که امکان آشنایی با فیلم‌سازان مطرح، ارتباط بیشتر با افراد حرفه‌ای و فرصت‌های قابل توجهی را فراهم می‌کند. وقتی من بتوانم از طریق جشنواره فیلم کوتاه تهران خودم را به عنوان فیلم‌ساز پرزنت و پر مومت کنم، قاعدتاً در جذب تهیه‌کننده هم موفق‌تر خواهم بود. فیلم‌هایی که تاکنون ساختم در جشنواره‌های متعدد دیگری حضور داشته باشند، اما چون این جشنواره نبود، شاید از همان ابتدا کمی فرصت‌ها محدود شده و مرا از روند دور نگه داشته باشد. اگرچه جشنواره فیلم کوتاه تهران می‌تواند در فیلمسازان انگیزه‌های مضاعف ایجاد کند اما در نهایت این خود ما هستیم که باید برای رسیدن به اهداف خود بجنگیم، بنابراین می‌جنگم حتی اگر آخر این تلاش نرسیدن باشد.

هم خوانی بیشتری داشته باشد.

فیلم «گالیا» چند دقیقه است و چند بازیگر دارد؟

این فیلم حدود پانزده دقیقه است و پادینا کیانی، ماهان رجایی، عبدالحمید زارع، محمدرضا هاشمی، اعظم پورقاسمی و سلین خوش‌نوازی بازیگرانی هستند که در آن به ایفای نقش پرداخته‌اند.

بازیگران شما حرفه‌ای بودند یا نا بازیگر و چطور با آن‌ها ارتباط گرفتید؟

بازیگران این فیلم اگرچه حرفه‌ای، اما بیشتر در عرصه فیلم کوتاه فعالیت کرده و مطرح هستند. در کل ترجیح من این بود که از بازیگران چهره استفاده نکنم و انتخابم بازیگران حرفه‌ای به اصلاح no name هستند.

لوکیشن فیلم کجا بود و در زمینه ساخت با چه چالش‌هایی روبه‌رو شدید؟

لوکیشن فیلم، منطقه ابرکوه، حوالی یزد بود. مهم‌ترین چالشی که داشتیم این بود که تقریباً تمام عوامل، به جز چند نفر که از شیراز بودند، از شهرهای مختلف باید می‌آمدند. یعنی بعضی از اعضای گروه از سنج بودند، بعضی از تبریز و برخی نیز از تهران. همین هماهنگی و گردآوردن عوامل از نقاط مختلف کشور برای من بسیار چالش برانگیز بود.

علت این انتخاب چه بود؟

من این افراد را می‌شناختم و با آنها در ارتباط بودم و به نوعی می‌توانم گفت که چه در زمینه تصویر، چه بازی و چه دید سینمایی، به آن‌ها اعتماد داشتم. مثلاً تصویربردار کار از بچه‌های سنج بود که در همان شهر زندگی می‌کند، بنابراین باید با او هماهنگ می‌شدم. از آنجایی که خودم در عرصه فیلم کوتاه فعالیت می‌کنم ترجیح می‌دادم این بود که عوامل کار نیز در همین حوزه مشغول به فعالیت باشند.

در زمینه تهیه فیلم، چگونه پیش رفتید؟

حقیقتش من پیش از اینکه بخواهم این فیلم را بسازم، فیلمنامه آن را برای چند جشنواره ارسال کرده بودم و در همه آن‌ها موفق شدم جایزه بهترین فیلمنامه را کسب کنم و آن مبلغ جایزه را به طور کامل صرف ساخت فیلم کردم.

مریم عظیمی
گفت و گو

اگر چه فیلم کوتاه «گالیا» اولین حضور مصطفی رستم پور در جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران بود اما او پیشتر هفت فیلم کوتاه دیگر مانند «مارپله»، «شب‌آشال»، «گوسفندان ما را خواهند بلعید» و... را نیز ساخته است. او که فیلمسازی را از دوره‌های انجمن سینمای جوانان شیراز آغاز کرده اولین فیلم کوتاه خود به نام «خواب سنگین پیرمرد» را سال ۹۷ ساخته است. «گالیا» فیلمی در ژانر اجتماعی است که به تأثیر برخی اعتقادات بر حیات ما انسان‌ها، می‌پردازد و فیلمبرداری آن تنها در یک روز انجام شده است.

ایده ابتدایی فیلم «گالیا» چطور متولد شد و به چه موضوعی

می‌پردازد؟

اگر بخواهم به صورت خلاصه بگویم، «گالیا» درباره زنی است که در نبود شوهرش ناچار می‌شود گوسفندی را ذبح کند. من در گذشته همواره تصور می‌کردم که اگر زنان دست به ذبح برند، گوشت آن جاندار حرام می‌شود، اما بعدها با تحقیقاتی که انجام دادم متوجه شدم که اصلاً این‌طور نیست. از همان‌جا این ایده به ذهنم رسید و با نگاه تازه‌ای که نسبت به سوژه در من شکل گرفته بود سعی کردم سوژه را بسط دهم بنابراین شخصیت جدیدی به داستان اضافه کردم و داستان را به سمتی بردم که با دغدغه‌های شخصی من

